

به نام خدا

## مباحث جلسه چهارم درس حقوق کار

فصل دوم

آشنایی با قرارداد(عقد)

در این فصل با مفهوم یک عقد (قرارداد) ، شرایط صحت قرارداد و انواع قرارداد آشنا می شویم. در پایان نیز مفهوم سند و انواع آن را بررسی می نماییم.

۱-۲- **تعریف عقد:** به موجب ماده ۱۸۳ قانون مدنی: "عقد عبارتست از این که یک یا چند نفر در برابر یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن ها باشد." معامله، قرارداد، عقد، توافق و تعهد در معنای عام شبیه به یکدیگرند. می توان گفت قرارداد همکاری متقابل دو یا چند اراده است که باعث ایجاد یک ماهیت حقوقی می شود. وقتی دو اراده بر سر یک موضوع به توافق می رسند نتیجه این توافق ایجاد تعهد برای دو طرف است و در واقع یک ماهیت حقوقی(قرارداد) ایجاد می شود.

۲-۲- **شرایط صحت عقد:** برای این که معامله ای صحیح تلقی شود و آثار قرارداد صحیح را داشته باشد باید دارای دو نوع شرط باشد: شرایط عمومی که باید در همه قراردادها موجود باشد و آلا عقد معتبر نخواهد بود. دیگری شرایط اختصاصی که هر قراردادی علاوه بر شرایط عمومی باید دارای آن شرایط خاص و ویژه هم باشد که در مواد پراکنده ق.م. آمده است. شرایط عمومی که برای صحت هر قراردادی باید وجود داشته باشد، در ماده ۱۹۰ ق.م. آمده است. به موجب ماده ۱۹۰ ق.م.: "برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است:

۱- قصد طرفین و رضای آن ها

۲- اهلیت طرفین

۳- موضوع معین که مورد معامله باشد

۴- مشروعیت جهت معامله."

شرایط ماده ۱۹۰ ق.م. را جداگانه و به طور مختصر بررسی می نماییم.

**۱) قصد و رضای طرفین قرارداد:** به مجموع قصد و رضایت "اراده" گفته می شود. انسان قبل از انجام هر معامله ای آن را تصور کرده و با سنجش میزان نفع و ضرر آن عقد و ملاحظه نیازهای مادی و معنوی خویش، به انعقاد یک قرارداد مشتاق می شود. این اشتیاق به انجام معامله را "رضایت" می نامند. پس از مرحله رضایت، انسان تصمیم می گیرد و آن را اجرا می کند، یعنی عمل حقوقی مورد نظر را در ذهن خود ایجاد می نماید و همین مرحله است که "قصد" نامیده می شود.

اراده (قصد و رضا) برای این که موثر واقع شود باید اولاً به طریقی اعم از لفظ، نوشته، اشاره، کار و... اعلام شود و نمود خارجی پیدا کند و ثانیاً خالی از عیب باشد. در حقوق ما در دو مورد اراده معیوب می شود که عبارتند از: اشتباه و اکراه.

**اشتباه:** تصور نادرستی است که انسان از حقیقت پیدا می کند و با توجه به موضوع و اهمیت آن ممکن است باعث بطلان یا عدم نفوذ عقد شود. به عنوان مثال اشتباه در طرف عقد نکاح سبب بطلان نکاح می شود، اما اشتباه در مهریه تنها ممکن است برای فرد حق فسخ ایجاد کند.

**اکراه:** عبارت از فشار غیرعادی و غیرقانونی است که به منظور وادار ساختن شخص بر انجام دادن یک عمل حقوقی، بر او وارد می شود؛ و معمولاً باعث عدم نفوذ قرارداد می شود.

**۲) اهلیت طرفین:** اهلیت صلاحیت و شایستگی است که شخص برای داراشدن حق و اجرای حق دارد. اهلیت برای داراشدن حق اهلیت تمتع و اهلیت برای اجرای حق، اهلیت استیفا نامیده می شود. همه انسان ها از لحظه تولد تا مرگ از اهلیت تمتع برخوردارند. منظور از اهلیت داشتن طرفین برای انعقاد قرارداد، همان اهلیت استیفاست؛ یعنی شخص به حکم قانون اجازه اعمال و اجرای حق خویش را داشته باشد. مطابق ماده ۲۱۱ ق.م.:" برای این که متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ، عاقل و رشید باشند."

**بالغ:** کسی است که به سن بلوغ رسیده باشد. سن بلوغ مطابق قوانین ما ۹ سال تمام قمری برای دختران و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران می باشد. (تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ ق.م.)

**عاقل:** کسی است که رفتار و گفتار او به نظر عرف عاقلانه باشد. عاقل ضد مجنون است.

**رشید:** کسی است که تصرف او در اموالش خردمندانه و عاقلانه باشد. رشد یعنی رسیدن به بلوغ فکری نه جسمی. در واقع رشید کسی است که دارای تدبیر کافی برای اداره امور مالی خود باشد. اگرچه در قانون فعلی ما سن رشد ذکر نشده ولی دادگاه ها، دفاتر اسناد رسمی و سایر مراجع، در عمل با توجه به ماده ۱۲۰۹ ق.م. سابق، سن ۱۸ سال تمام شمسی را سن رشد می دانند.

(۳) **موضوع معامله:** شرط سوم ماده ۱۹۰ ق.م. درباره مورد معامله است و مورد معامله عبارت است از مال یا عملی که هر یک از طرفین معامله تعهد به تسلیم یا انجام آن می کنند. معامله بدون مورد و موضوع باطل است. برای صحت عقد، مورد معامله باید دارای شرایط ذیل باشد:

۱- **هنگام عقد وجود داشته باشد:** بنابراین فروختن کالایی که هنگام عقد وجود نداشته، صحیح نیست.

۲- **معلوم و معین باشد:** مورد معامله باید معلوم باشد، و اگر مبهم یا نامعلوم باشد معامله باطل است.

۳- **تسلیم آن به طرف مقابل ممکن باشد:** انتقال مالی که قابل تسلیم نیست باطل است. کسی که مالی را معامله می کند باید بتواند آن را به طرف دیگر تسلیم کند و آلا معامله باطل است.

۴- **مالیت داشته و منفعت عقلایی مشروع داشته باشد:** از لحاظ حقوقی مال چیزی است که دارای ارزش اقتصادی باشد. معامله چیزی که ارزش اقتصادی ندارد باطل است. مورد معامله باید برای طرفین مالیت داشته باشد؛ یعنی مالیت داشتن را باید با توجه به رابطه طرفین تفسیر کرد. وقتی مورد معامله برای طرفین یا یکی از آن ها ارزش مالی داشته باشد کافی است و عقد صحیح است، هر چند آن موضوع در عرف ارزش مالی نداشته باشد.

۴) مشروعیت جهت معامله: در معاملات نیازی نیست جهت یا انگیزه ذکر شود ولی اگر انگیزه تصریح شود یا مورد توافق طرفین قرار گیرد باید مشروع باشد یعنی خلاف قانون نباشد و آلا عقد باطل است. مشروع بودن جهت معامله می تواند رعایت اخلاق حسنه و احترام به قانون را در قرارداد تضمین کند.

ضمانت اجرای فقدان هر کدام از شرایط چهارگانه صحت قرارداد، بطلان یا عدم نفوذ عقد است.